

# ادبیات انقلاب اسلامی

## اهداف کلی فصل:

- ۱- آشنایی با جلوه‌هایی از ادبیات انقلاب اسلامی ایران
- ۲- آشنایی با نمونه‌هایی از آثار ادبی انقلاب اسلامی
- ۳- آشنایی با برخی از پدیدآورندگان ادبیات انقلاب اسلامی
- ۴- توانایی بخشیدن به دانش‌آموز در بررسی و تحلیل آثار ادبی انقلاب

اسلامی



# درآمدی بر ادبیات انقلاب اسلامی

## (شعر)

انقلاب اسلامی، مانند هر رویداد بزرگ دیگر، در فضای فرهنگی و سیاسی جامعه‌ی ایران دگرگونی‌هایی ایجاد کرد. از این رهگذر، ادبیات نیز هم‌چون دیگر پدیده‌ها تحت تأثیر قرار گرفت. درون مایه‌ی سروده‌ها، نوشته‌ها و داستان‌هایی که از سال ۵۷ تاکنون از فرهنگ انقلاب اثر پذیرفته و آفریده شده‌اند، مسائل زیر است:

۱- ستایش آزادی و آزادگی، جهاد، هجرت، شهادت و پاک‌بازی. ۲- محکوم کردن استبداد و بیداد، زرپرستی، اشرافیت، روحیه‌ی نیازدگی و ثروت‌اندوزی. ۳- مردم‌ستایی به‌ویژه مردم محروم و فداکار ایران. ۴- طرح اُسوه‌های تاریخی به‌ویژه تاریخ اسلام مانند ابوذر، سلمان، مالک اشتر و چهره‌های مبارز و متفکر معاصر به‌ویژه حضرت امام خمینی، شهید مطهری، دکتر شریعتی، میرزا کوچک‌خان و... ۵- بهره‌گیری از اساطیر، نمادها و شخصیت‌های حماسی شاهنامه و تاریخ ایران و تلفیق آن‌ها با چهره‌های بزرگ و نمادهای تاریخ اسلام. ۶- حضور گسترده‌ی فرهنگ اسلامی (آیات، روایات و مضامین دینی) در آثار ادبی به‌خصوص طرح فرهنگ عاشورا و فرهنگ انتظار (موعود). ۷- امیدواری و ترسیم افق‌های پیروزی برخلاف ادبیات یأس‌زده‌ی قبل از انقلاب.

شعر انقلاب اسلامی، چه در سال‌های آغازین انقلاب، چه در دوران هشت سال دفاع مقدس و چه پس از آن، سیر روبه‌رشدی را طی کرده و آثار موفق و ماندگاری را رقم زده است. شاعران انقلاب از حوادث جهانی نیز غافل نبوده‌اند و در میان آثار آنان، سروده‌هایی که ترسیم‌کننده‌ی رنج‌ها، دربه‌دری‌ها و مظلومیت مردم فلسطین، لبنان، بوسنی، افغانستان و دیگر ملت‌های مبارز و مسلمان است، فراوان به چشم می‌خورد.

شاعران عصر انقلاب، هم در قالب‌های سنتی به‌ویژه غزل، رباعی و دوبیتی و هم در قالب‌های نو مانند نیمایی و سپید طبع‌آزمایی کرده‌اند.

تحلیل و بررسی شعر انقلاب طی دو دهه‌ی گذشته، ضمن این که تصویری از تحولات فرهنگی و فکری جامعه به دست می‌دهد، آینه‌ای است که در آن می‌توان دغدغه‌ها، حساسیت‌ها و رویکرد شاعران این دوره را به خوبی و روشنی بررسی و مطالعه کرد.

مهرداد اوستا (محمد‌رضا رحمانی متولد ۱۳۰۸ بروجرد و در گذشته به سال ۱۳۷۰ در تهران) از شاعران قصیده‌سرای معاصر است. وسعت آگاهی، شناخت عمیق و گسترده از ادبیات، ذوق و قریحه‌ی سرشار و بیان توانمند شاعرانه، از او چهره‌ای ممتاز ساخته است. اوستا در قصیده‌طرحی نو درانداخت و زبان خشن آن را به زبان لطیف و نرم غزل نزدیک کرد. غزل‌های او نیز لطیف و تازه و پرجاذبه است. اوستا شاعری متعهد و دردآشناست که شعر خود را پیش از انقلاب و پس از آن، در خدمت ایمان و اعتقاد خویش قرار داده است. نخستین مجموعه‌ی شعر اوستا «از کاروان رفته» است. از دیگر مجموعه‌های او «پالیزبان» و «راها» را می‌توان نام برد. غزلی که می‌خوانید، از مجموعه‌ی «راها» برگزیده شده است.

## از درد سخن گفتن

بازآی که چون برگ خزانم رخ زردی است  
با یاد تو دمساز دل من دم سردی است  
گر رو به تو آورده‌ام از روی نیازی است  
ور دردسری می‌دهمت از سر دردی است  
از راهروان سفر عشق در این دشت  
گلگونه سرشکی است اگر راه نوردی است<sup>۱</sup>  
در عرصه‌ی اندیشه‌ی من با که توان گفت  
سرگشته چه فریادی و خونین چه نبردی است  
غمخوار به جز درد و وفادار به جز درد  
جز درد که دانست که این مرد چه مردی است



از درد سخن گفتن و از درد شنیدن  
با مردم بی درد ندانی که چه دردی است  
چون جامِ شفق موج زند خون به دل من  
با این همه دور از تو مرا چهره‌ی زردی است  
زین لاله‌ی بشکفته‌ی در دامن صحرا  
هر لاله نشانِ قدمِ راه‌نوردی است  
یا خون شهیدی است که جوشد زِ دل خاک  
هرجا که در آغوش صبا غنچه‌ی وِردی\* است

سیدحسین حسینی (متولد ۱۳۳۵) از شاعران انقلاب اسلامی است. او نخستین مجموعه‌ی شعر خود را با نام «هم‌صدا با حلق اسماعیل» در سال ۱۳۶۳ به چاپ رساند. «حمّام روح» (ترجمه)، «براده‌ها» و «بیدل، سپهری و سبک هندی» از دیگر آثار اوست. دفتر شعر «گنجشک و جبرئیل» مجموعه‌ی سروده‌های عاشورایی حسینی در قالب شعر «سپید» است. سروده‌ی زیر از همین دفتر و در توصیف سردار رشید کربلا، ساقی تشنه‌کامان، الگوی جوان‌مردی و پاک‌بازی، ابوالفضل العباس(ع) است.

## راز رشید

به گونه‌ی ماه نامت  
 زبازد آسمان‌ها بود<sup>۲</sup>  
 و پیمان برادری‌ات  
 با جبل نور<sup>۲</sup>  
 چون آیه‌های جهاد،  
 محکم

\* \* \*

تو آن راز رشیدی  
 که روزی فرات  
 بر لب‌ت آورد<sup>۴</sup>  
 و ساعتی بعد  
 در باران متواتر پولاد  
 بریده بریده  
 افشا شدی  
 و باد  
 تو را با مشام خیمه‌گاه



در میان نهاد  
و انتظار در بُهت کودکانی حرم  
طولانی شد  
تو آن راز رشیدی  
که روزی فرات  
بر لب آورد  
و کنار درک تو  
کوه از کمر شکست<sup>۵</sup>

## توضیحات



- ۱- تنها راه‌نوردِ راه عشق، اشکِ گلگون است. شاعر، گونه را به دشت و اشک را به راه‌نورد این دشت تشبیه کرده است.
- ۲- همان‌گونه که «ماه» مشهور آسمان است (در اولین نگاه ماه را در آسمان می‌توان دید)، نام تو - حضرت عباس(ع) - نیز مشهور آسمان است. شاعر با ظرافت تمام به لقب «قمر بنی‌هاشم» اشاره دارد.
- ۳- پیمان برادری با جبل‌نور اشاره به وفاداری حضرت عباس نسبت به برادرش امام حسین(ع) است.
- ۴- حضرت عباس، پس از ورود به شریعه‌ی فرات، دست بر آب زد و آب را تا لبان خشکیده رساند اما وقتی به یاد تشنگی برادر و کودکان حرم افتاد، نتوانست آن را بیاشامد. شاعر با بیانی لطیف و بدیع به این نکته اشاره کرده است.
- ۵- به دنبال شهادت حضرت عباس، امام حسین(ع) فرمود: «الآن قد انکسر ظهري؛ اکنون کمرم شکست.



## خودآزمایی

- ۱- تکرار همیشه ناروا نیست و گاه بر زیبایی و تأثیر سخن می‌افزاید. این ویژگی در کدام ابیات شعر اوستا بیشتر دیده می‌شود؟
- ۲- درباره‌ی «ایهام» لطیفی که در بیت هفتم شعر «از درد سخن گفتن» وجود دارد، توضیح دهید.
- ۳- بیت زیر از حافظ با کدام بیت غزل «از درد سخن گفتن» ارتباط معنایی دارد؟  
با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم      که: «شهیدان که‌اند این همه گلگون کفنان؟»
- ۴- در کلمه‌ی «محکم» در شعر راز رشید چه ابهامی دیده می‌شود؟
- ۵- مقصود شاعر از «و ساعتی بعد / در باران متواتر پولاد / بریده بریده / افشا شدی» چیست؟
- ۶- دو شبکه‌ی «مراعات نظیر» در آغاز و پایان شعر «راز رشید» بیابید.



## درس چهاردهم

زنده باد غلامرضا قدسی از شاعران غزل‌سرای انقلاب اسلامی است که با  
زبانی گرم و گیرا وقایع و حوادثی را که طلیعه‌ی انقلاب‌اند، وصف و ضبط کرده  
است. از جمله شعرهای زیبا و پرشور او غزلی است که پیش از انقلاب اسلامی و  
پس از شنیدن خبر تیرباران شدن چند انقلابی‌مسلمان، در زندان، به یاد آن یاران  
شهید می‌سراید.

او در این سروده‌ی دل‌نشین که با تضمین بیتی لطیف از صائب به پایان  
می‌رسد، وقوع انقلاب اسلامی را پیش‌بینی کرده است.

### گل‌های چیده

بوی گل‌های چیده می‌آید

خونم از دل به دیده می‌آید

به تماشای غنچه‌های شهید

گل به رنگ پریده می‌آید





از غم داغِ گل‌رخان، از خاک

لاله در خون تپیده می‌آید

نال‌های شراره خیز، به گوش

ز آهوان رمیده می‌آید

موجهی این محیط\*، طوفان زاست

گر به چشم آرمیده می‌آید

از پی هر شکست، پیروزی است

از دل شب، سپیده می‌آید

بیت نغزی به خاطر «قدسی»

ز اوستادی گزیده می‌آید:

«در عدم هم زعشق، بویی هست

گل، گریبان دریده می‌آید»

مشفق کاشانی (عبّاس کی منش) متولد ۱۳۰۴ از غزل سرایان انقلاب اسلامی است. از آثار او می‌توان به مجموعه شعرهای «صلای غم»، «مثنوی شباهنگ»، «شراب آفتاب» و «آذرخش» اشاره کرد. غزل مشفق سرشار از تصویرهای تازه است که با زبانی روان و مؤثر بیان می‌شود.

## سایه‌ی خورشید

بر این کبود، غریبانه زیستم چون ابر  
تمام هستی خود را گریستم چون ابر

زیام دهر فرو ریختم ستاره به خاک  
که من به سایه‌ی خورشید زیستم چون ابر

زمین سترون و در وی نشان رویش نیست  
فراز ریگ روان چند ایستم چون ابر

حریر باورم از شعله‌ی ندامت سوخت  
که بر کویر عطشناک، نیستم چون ابر

مرا به بود و نبود جهان چه کار، که داد  
به باد فتنه، همه هست و نیستم، چون ابر

مگر بشویم، از این دل، غبارِ هستی را  
بر آستانِ تو عمری گریستم چون ابر



- ۱- در شعر «گل‌های چیده» چرا شاعر گل‌هایی را که برای تماشای شهید آمده‌اند، رنگ پریده توصیف می‌کند؟
- ۲- بیت زیر کدام آیه‌ی قرآنی را تداعی می‌کند؟  
از بی هر شکست پیروزی است      از دل شب، سپیده می‌آید
- ۳- در کدام بیت شعر «سایه‌ی خورشید»، شاعر از این که چون ابر باشد، ناراحت و گریزان است؟
- ۴- بیت چهارم شعر «سایه‌ی خورشید» را توضیح دهید.
- ۵- نهاد فعل «داد» را در بیت پنجم شعر «سایه‌ی خورشید» مشخص کنید.

سهیل محمودی (متولد ۱۳۳۹) از شاعران عصر انقلاب است و در غزل از زبانی نو بهره می‌گیرد. از جمله آثار او «دریا در غدیر» و «فصلی از عاشقانه‌ها» است.

محمودی در غزل «کرامت آبی»، پایداری، وسعت دید و ایمان و پاک‌بازی مردم ایران را توصیف می‌کند. مردمی که چون صخره در مقابل طوفان‌ها ایستادند و به مدد عشق و ایمان، حماسه‌های بزرگ را رقم زدند.

## کرامت آبی

دلم شکسته‌تر از شیشه‌های شهر شماس  
شکسته باد کسی کاین چننمان می‌خواست<sup>۱</sup>

شما چه قدر صبور و چه قدر خشم‌آگین  
حضورتان چو تلاقی صخره با دریاست

به استواری، معیار تازه بخشیدید  
شما نه مثل دماوند، او به مثل شماس

بیا که از همه‌ی دشت‌ها سؤال کنیم  
کدام قلّه چنن سرفراز و پا برجاست؟

به یک کرامت آبی نگاه دوخته‌اید<sup>۲</sup>  
کدام پنجره این‌گونه باز، سوی خداست؟

میان معرکه لبخند می‌زنید به عشق  
حماسه چون به غزل ختم می‌شود، زیباست

شما که اید؟ صفی از گرسنگی و غرور  
که استقامت و خشم از نگاهتان پیدا است

اگرچه باغچه‌ها را کسی لگد کرده  
ولی بهار فقط در تصرف گل‌هاست

تخلّص غزلم چیست غیر نام شما؟  
ز یمن نام شما خود زبان من گویاست

زکریّا اخلاقی (متولد ۱۳۴۱) از شاعران انقلاب است. مجموعه‌ی شعر او با عنوان «تبسم‌های شرقی» از توانایی‌اش در سرودن غزل حکایت دارد. غزل‌های اخلاقی سرشار از مضامین مذهبی، نگاه عارفانه و تصویرهای بدیع است. در غزل «سجّاده‌ی سبز» نگاه عارفانه‌ی شاعر به بهار است و بهره‌گیری او از آیات و روایات به روشنی احساس می‌شود.

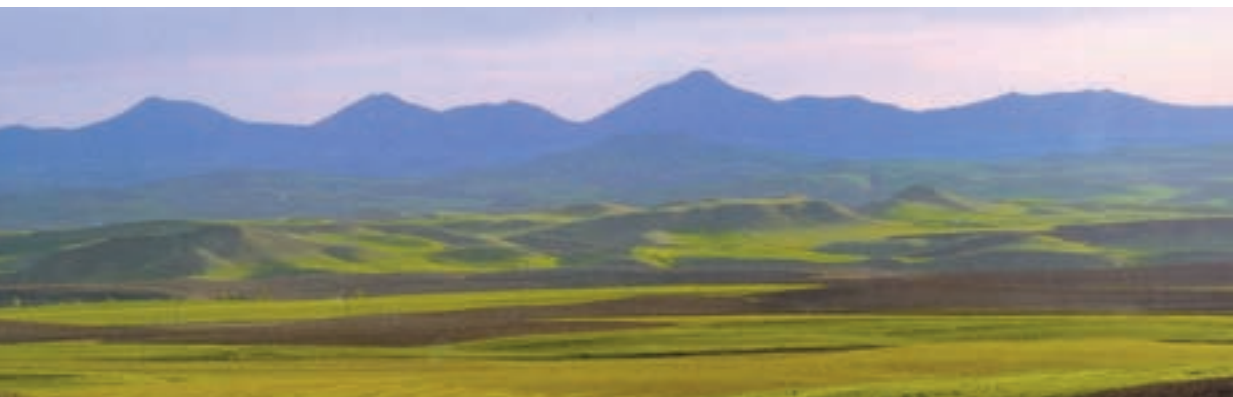
## سجّاده‌ی سبز

گل، دفتر اسرار خداوند گشوده است  
صحرا ورق تازه‌ای از پند گشوده است

آینه‌ی عریانی زیبای معانی است  
این حجله‌ی سبزی که خداوند گشوده است

شورِ سحرِ حشر، اگر باورتان نیست  
گل مُصحف صد برگ به سوگند گشوده است

تقریر\* ادیبانه‌ی برهان معاد است  
فصلی که نسیم از پی اسفند گشوده است



تفسیر لطیفی است زیاکِی دل کوه  
این چشمه که از چشم دماوند گشوده است

بر سجده‌ی احساس بنفشه است، نشانی  
سجّاده‌ی سبزی که به الوند گشوده است

سرشار ز شیرینی شهد خوش خویش است  
این غنچه که لب را به شکر خند گشوده است

پاک است طرب‌نامه‌ی خوش‌بوی سلوکش\*  
این گل که چنین چهره‌ی خرسند گشوده است<sup>۲</sup>



## توضیحات

- ۱- بیت اشاره به موشک‌باران شهرها در طول دوران دفاع مقدّس دارد.
- ۲- منظور از کرامت آبی، آسمان است. آسمان مظهر بخشندگی مادی و معنوی و نماد پاکی و قداست است. شاعر جامعه‌ی مسلمان ایران را چشم دوخته به لطف و رحمت الهی می‌داند.
- ۳- شادابی و شکوفایی و عطر گل نشانه‌ی آن است که سیر و سلوک گل، پاک و بی‌آلایش بوده است. شاعر گل را عارف سالکی می‌داند که در سیر و سلوکش موفق بوده است؛ زیرا گلبرگ‌هایش پاک و لطیف هستند.



## خودآزمایی

- ۱- در بیت دوم شعر «سجّاده‌ی سبز» منظور شاعر از «حجله‌ی سبز» چیست؟ ۲- پیامبر فرمود: اِذَا رَأَيْتُمُ الرَّبِيعَ فَانْكُرُوا ذِكْرَ النَّسُورِ؛ هرگاه بهار را دیدید، قیامت را فراوان یاد کنید. این مفهوم در کدام ابیات «سجّاده‌ی سبز» دیده می‌شود؟ ۳- در ششمین بیت شعر «سجّاده‌ی سبز»، بنفشه نماد چیست؟ ۴- در دومین بیت غزل «کرامت آبی»، صخره و دریا نماد چه چیزهایی هستند؟ ۵- بیت هشتم غزل کرامت آبی را توضیح دهید. ۶- بیت زیر از حافظ با کدام بیت از شعر «سجّاده‌ی سبز» ارتباط معنایی دارد؟  
کنون که در چمن آمد گل از عدم به وجود      بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود



## میلاَد آدم

نعره زد عشق که : «خونین جگری پیدا شد»

حُسن لرزید که : «صاحب نظری پیدا شد»

فطرت آشفته که : «از خاک جهانِ مجبور

خودگری، خود شکنی، خودنگری پیدا شد»

خبری رفت زگردون به شبستان ازل :

«حذر ای پردگیان! پرده‌دری پیدا شد»

آرزو بی‌خبر از خویش به آغوش حیات

چشم واکرد و جهان دگری پیدا شد

زندگی گفت که : «در خاک تبیدم همه عمر

تا از این گنبد دیرینه دری پیدا شد»

اقبال لاهوری

# فصل ششم

## سفرنامه، حسب حال و زندگی نامه

### اهداف کلی فصل:

- ۱- آشنایی با ابعاد و جنبه‌هایی از سفرنامه‌ها، حسب حال‌ها و زندگی‌نامه‌ها.
- ۲- آشنایی با نمونه‌هایی از سفرنامه، حسب حال و زندگی نامه
- ۳- آشنایی با برخی از صاحبان این نوع آثار ادبی
- ۴- تقویت توانایی دانش‌آموز در بررسی و نوشتن این نوع آثار ادبی



## درآمدی بر سفرنامه، حسب حال و زندگی نامه

بسیاری از نویسندگان نکته‌سنج و ژرف‌نگر در سفر، به ثبت دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربه‌های خود درباره‌ی مسائل گوناگون جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، قومی و... پرداخته و از این رهگذر، سفرنامه‌هایی ارزشمند به یادگار گذاشته‌اند. با خواندن این سفرنامه‌ها، می‌توان فرهنگ، موقعیت اجتماعی و سیاسی و جغرافیایی سرزمین‌ها را شناخت. برخی از این سفرنامه‌ها علاوه بر این که حاوی اطلاعات گسترده‌ای هستند از نظر شیوه‌ی نگارش و زیبایی و استواری در نثر نیز اهمیت ویژه‌ای دارند.

زندگی‌نامه‌ها نیز شرح حوادث زندگی و رویدادهای عصر و اندیشه‌ها و دگرگونی‌های فکری و روحی انسان‌ها هستند که علاوه بر آشنا ساختن خوانندگان خود با شرح حال و اندیشه‌ی بزرگان، علل تحوّل و دگرگونی اشخاص و جوامع را به آنان می‌شناسانند. حسب حال، گزارش نویسندگان از زندگی و حالات روحی و فکری خویش و مطمئن‌ترین راه برای شناخت احوال و افکار بزرگان جامعه است. در این فصل، با نمونه‌هایی دیگر از سفرنامه، زندگی‌نامه و حسب حال آشنا می‌شویم.